

بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک فرزندپروری مادران با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها در کودکان دبستانی شهرستان کاشان

محمد رضا قربانی محمدآبادی^۱، مائده مهدی پور^۲

^۱ دکتری روانشناسی بالینی دانشگاه پردیس آمل، کارمند علوم پزشکی کاشان (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی روانشناسی موسسه غیرانتفاعی فیض کاشانی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک فرزندپروری مادران با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها در کودکان دبستانی می‌باشد. به منظور بررسی این موضوع هشت فرضیه تدارک دیده شده است. برای آزمون فرضیه‌های فوق از میان دانش آموزان مشغول به تحصیل در مقطع دبستان ۵۰ نفر دختر و پسر و ۵۰ نفر از مادران آن‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند و برای سنجش انگیزش پیشرفت فرزندان از آزمون انگیزش پیشرفت ACMT و برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی والدین آن‌ها از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی NEO (فرم کوتاه) و برای سنجش ویژگی‌های سبک فرزندپروری از پرسشنامه دایانا بامرید PSI استفاده شد و داده‌های مورد لزوم استخراج و از طریق آمار توصیفی و استنباطی، میانگین، واریانس و آزمون t دو گروه مستقل جهت مقایسه میانگین‌های دو گروه مورد پردازش قرار گرفت. نتایج همبستگی نشان داد که سبک فرزندپروری اقتدار منطقی و انگیزش پیشرفت رابطه معناداری دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که این سبک و ویژگی‌های شخصیتی والدین، انگیزش پیشرفت را پیش‌بینی کنند. در صورت استفاده از این سبک، انگیزش پیشرفت فرزند افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های فرزندپروری، انگیزش پیشرفت

مقدمه

خانواده بنیان‌گذار پایه‌های شخصیت کودک است. این خانواده است که به کودک انتظاراتی در مورد آینده‌اش می‌بخشد و به او ملاک‌های موفقیت را می‌آموزد. تحقیقات نشان می‌دهند تا سنین دوازده‌سالگی رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان صرفاً محدود به چرخه خانواده است (شیخی، ۱۳۹۵).

فرایندهای زیستی - شناختی و روان‌شناختی مانند: رشد، هشیاری، ادراک، یادگیری، یادآوری، تفکر، انگیزش و هیجان در اصل برای همه ما یکسان هستند. اما در جهات دیگر هر شخص با دیگران متفاوت است. هرکدام از ما دارای الگوی متمایزی از توانایی‌ها، باورها، نگرش‌ها، انگیزش‌ها، هیجانات و صفات شخصیتی هستیم که این خصوصیات از هریک از ما انسان‌ها شخصیتی بی‌همتا می‌سازد. می‌توان شخصیت را به‌عنوان الگوهای متمایز و اختصاصی تفکر، هیجان، و رفتار توصیف کرد که سبک تعامل شخص با محیط فیزیکی و اجتماعی را مشخص می‌کند. در تعریف شخصیت از واژه‌هایی استفاده می‌شود که نشان‌دهنده صفات شخصیت است همچون: برون‌گرایی، باوجدان بودن، مسئولیت‌پذیری و... روان‌شناسان شخصت سعی کرده‌اند از روش‌های رسمی برای توصیف و اندازه‌گیری صفات شخصیت استفاده نمایند (هیلگارد، ۱۳۸۵).

نیاز به پیشرفت با میل به رسیدن به معیار بالائی از برتری و انجام اهداف بی‌نظیر مشخص می‌شود. در چنین موقعیتی آزمودنی نگران رقابت با معیاری بالاتر از خویش است. این نوع نگرانی یا به روشنی بیان می‌شود یا این که شواهد کافی برای بیان این رقابت وجود دارد. شرط خود دستوری برای عملکرد خوب و توصیف اعمال، کیفیت کار را نشان می‌دهد. بعضی اوقات آنان به اهداف بلند مدت پیشرفت یا انجام امور بی‌نظیر توجه دارند. ممکن است آن را نیاز به انجام کاری با ارزش، بی‌نظیر یا فوق‌العاده را نیاز به تسلط بدانیم. تحقیقات راجع به نیاز پیشرفت نشان داده است که: ۱- انگیزه پیشرفت سائقی است که با تلقین موقعیتی از درگیری خود یا جهت گیری پیشرفت می‌تواند برانگیخته شود. این موقعیت همان نوع تأثیری را بر فراقکنی آزمودنی می‌گذارد که مورد دخل و تصرف در گرسنگی و محرومیت جنسی صادق است ۲- انگیزه پیشرفت در مورد افراد و گروه‌های گوناگون متفاوت و تحت تأثیرات فرهنگی است. انگیزش پیشرفت را می‌توان از طریق محیط اجتماعی و فرهنگی و برنامه‌های آموزشی کمک کرد ۳- پیشرفت با پیروی از همان جریانی بدست می‌آید که در مورد پاداش و تنبیه صادق است.

در توصیف رابطه والدین با فرزندان به دو بعد اساسی درخواست کنندگی والدینی (کنترل) و پاسخدهی والدینی (گرمی یا پذیرش) تأکید داشت. منظور از گرمی یا پذیرش، میزان پذیرش نیازهای فرزندان از سوی والدین و منظور از کنترل نیز میزان تسلط والدین، بیان انتظارات و درخواست‌های آنها از فرزندان است (نیومن، ۱۰۰۲). محققان سبک‌های مختلف فرزندپروری را متناسب با نمره‌هایی که در دو بعد بالا به دست می‌آید، در سه طبقه می‌گنجانند: سبک فرزندپروری مستبدانه (کنترل بالا و پذیرش پایین)

مقتدرانه (کنترل بالا و پذیرش بالا) سهل گیرانه (کنترل پایین و پذیرش بالا) و بعضی از محققان طبقه چهارم را تحت عنوان سبک فرزندپروری انکاری یا مسامحه‌کار (کنترل پایین و پذیرش پایین) به طبقات بالا اضافه کردند. مهم ترین جنبه سبک‌های فرزندپروری که می‌تواند رفتارهای سالم و خطرناک را تحت تأثیر قرار دهد، شامل نوع انضباط (ثبات در مقابل بی‌ثباتی) میزان درگیری و مشارکت والدین، میزان نظارت والدین، نوع ارتباط و نوع فرزندپروری است (نیومن و همکاران، ۲۰۰۸) بامریند (۱۹۷۱) نیز سبک‌های فرزندپروری را به صورت زیر مفهوم سازی کرد: نگرش‌ها و ارزش‌های والدین در مورد فرزندپروری و عقاید آنها در مورد فعالیت‌هایی که در برابر کودکان به کار می‌برند. در صورتی که نگرش‌ها، ارزش‌ها، عقاید و رفتارهای مربوط به فرزندپروری حفظ شود، سبک‌های پایدار فرزندپروری ظاهر می‌شود (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۹) سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل بالا، حمایت هیجانی، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که این سبک فرزندپروری با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، کج‌رفتاری کمتر و رفتار بهتر با همتایان رابطه دارد (لعلی‌فاز و همکاران، ۲۰۰۱).

جامعه آماری

جامعه آماری شامل دختران و پسران دبستان‌های واقع در سطح شهرستان کاشان که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل هستند به همراه والدینشان می‌باشد.

نمونه آماری

نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۰ نفر از دختران و پسران (۵۰ نفر دختر و ۵۰ نفر پسر) دانش آموز ششم دبستان دخترانه فاطمه زهرا و ششم دبستان شاهد و نیز ۵۰ نفر از مادران همان دانش آموزان است.

روش نمونه‌گیری

نمونه‌های این پژوهش به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. از تمامی مدارس مقطع ابتدایی پسرانه و دخترانه واقع در سطح شهرستان کاشان یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه بصورت تصادفی انتخاب شدند و از بین دانش آموزان این مدارس ۵۰ نفر پسر و ۵۰ نفر دختر که در سال ششم دبستان مشغول به تحصیل بوده به همراه والدینشان به روش تصادفی انتخاب گردیدند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از سه نوع پرسشنامه استفاده شده است:

پرسشنامه انگیزش پیشرفت ACMT: آزمون ACMT دارای ۵۰ سوال سه گزینه‌ای بوده و مبتنی بر روش تکمیلی جملات می‌باشد، بدین معنی که آزمودنی پس از خواندن یک جمله ناقص بایستی با انتخاب یکی از سه گزینه جمله را تکمیل نمایند.

پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی NEO: فرم تجدید نظر شده آزمون NEO دارای ۲۴۰ ماده و ۶۰ سؤال پنج گزینه ای است و آزمودنی باید با کمال دقت و توجه به سوالات با توجه به گزینه های موجود (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) پاسخ دهد

پرسشنامه سبک فرزندپروری دایانا بامرید که در سال ۱۹۸۹ طراحی شد و دارای سه زیرمقیاس شیوه سهل گیرانه (۳۰ عبارت) شیوه مستبدانه (۱۰ عبارت) شیوه قاطع و اطمینان بخش (۱۰ عبارت) و در کل پنجاه عبارت است. الگوی پاسخدهی به سؤال ها براساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت است و با جمع نمرات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می آید. (بوری ۲۰۰۱) پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب برای شیوه سهل گیرانه (۰/۸۱) شیوه استبدادی (۰/۸۶) و شیوه قاطع و اطمینان بخش (۰/۸۷) گزارش کرد. اسفندیاری (۱۳۹۸) نیز پایایی آزمون بر روی یک نمونه ۲۱۰ نفری از مادران را به شیوه بازآزمایی و با فاصله زمانی یک هفته، به ترتیب برای شیوه سهل گیرانه (۰/۶۹) شیوه استبدادی (۰/۷۷) و شیوه قاطع و اطمینان بخش (۰/۷۳) گزارش کرد. روایی محتوای آزمون توسط ده نفر از صاحب نظران روان شناسی و روان پزشکی تأیید شد (اصفهانی، ۲۰۰۵).

روش آماری

بعد از اندازه گیری متغیرها و تنظیم داده ها برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون t دو گروه مستقل برای مقایسه میانگین ها و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

روش اجرای پژوهش

بعد از انتخاب نمونه ها که از میان دانش آموزان دختر و پسر در حال تحصیل در مقطع ششم دبستان واقع در سطح شهرستان کاشان و نیز والدین آنها، پرسشنامه های انگیزش پیشرفت (دختران و پسران) و ویژگی های شخصیتی (والدین) به هر گروه به صورت جداگانه ای ارائه و از آزمودنی ها درخواست شد که با دقت و با توجه به توضیحات ارائه شده به سؤالات پاسخ دهند. به این ترتیب اطلاعات مورد نیاز به دست آمد، بعد از آن برای جمع آوری اطلاعات بیشتر و کامل کردن پژوهش به کتابخانه دانشگاه مراجعه و پس از مطالعه کتب مورد نظر اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده و جهت انجام و به پایان رسانیدن پژوهش از آنها استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده ها

جامعه آماری شامل دختران و پسران مشغول به تحصیل در مقطع اول دبیرستان های واقع در سطح شهرستان کاشان در سال تحصیلی ۱۴۰۱_۱۴۰۲ به همراه والدینشان می باشد. بعد از اندازه گیری متغیرها و تنظیم داده ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا از آمار توصیفی برای تعیین فراوانی، ترسیم جداول، نمودارهای ستونی مربوط به میانگین هر گروه که روی محور X آن‌ها تعداد اعضای نمونه و روی محور Y آن‌ها میانگین‌های دو گروه رسم شده نیز تعیین میانگین‌های دو گروه و انحراف معیار استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش به منظور بررسی تفاوت عملکرد آزمودنی‌ها در مراحل پژوهش نیز در بخش آمار استنباطی از آزمون t دو گروه مستقل برای مقایسه میانگین‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها و نیز تعیین واریانس‌ها استفاده شده است. سطح معناداری در این پژوهش ۰,۰۵ و درجه آزادی (df) ۳۸ می‌باشد (فرض صفر: $H_0 = \mu_1 - \mu_2 = 0$ فرض خلاف: $H_A = \mu_1 - \mu_2 \neq 0$).

برای اجرای این پژوهش، آزمون‌گر پس از ملاحظات مقدماتی لازم و توضیح دستورالعمل مقیاس، به دانش‌آموزان پرسشنامه انگیزش پیشرفت ACMT و به مادران آنها پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دایانا بامرید PSI و پرسشنامه پنج عاملی NEO داده شد و از آنها خواسته شد آن را برحسب دستوراتی که برای اجرای آزمون در اختیار آنها گذارده اند، تکمیل کنند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط نمونه آماری مورد نظر و ورود داده‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های مورد مطالعه در جداول مربوطه به فراوانی و درصدی و دیگر شاخص‌های آماری تهیه و تنظیم گردید و برای بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سلامت عمومی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

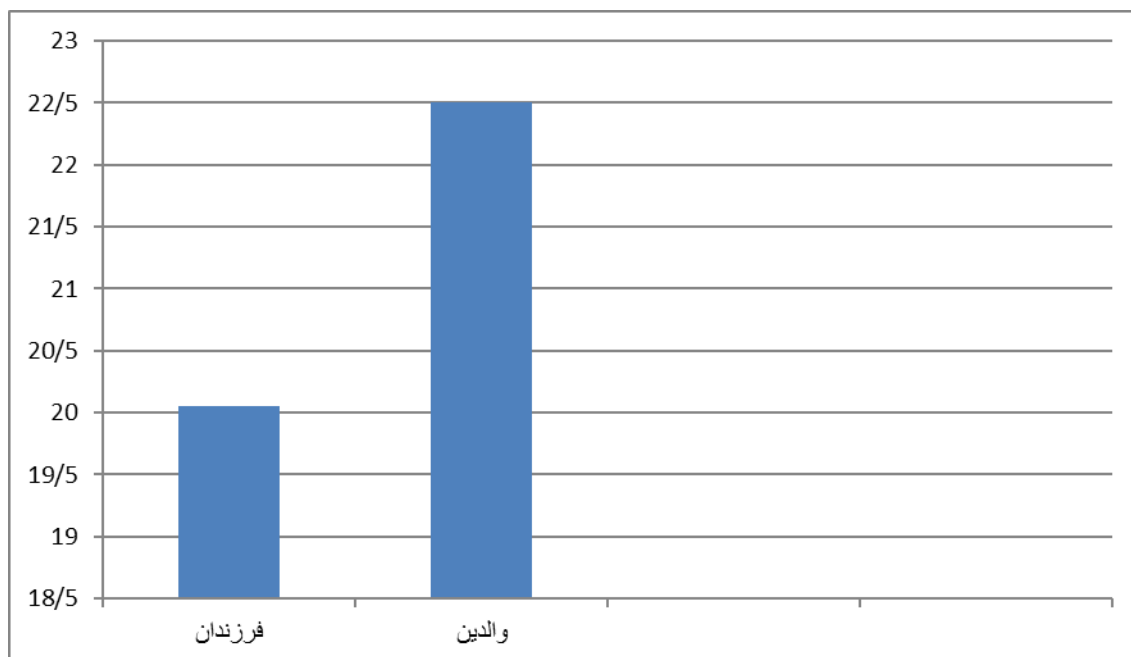
جدول ۱: شاخص‌های مرکزی آزمودنی‌ها در متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و انگیزش پیشرفت

| متغیر | تعداد | فرزندپروری استبدادی | فرزندپروری منطقی | فرزندپروری آزادگذاری | فرزندپروری برگرفته از آموزه‌های دینی | انگیزش پیشرفت |
|--------------|-------|---------------------|------------------|----------------------|--------------------------------------|---------------|
| میانگین | ۱۰۰ | ۴۰/۱۶ | ۳۲/۳۶ | ۱۶/۶۰ | ۱۷/۹۰ | ۱۲۶/۸۰۴ |
| انحراف معیار | ۱۰۰ | ۴/۹۸ | ۴/۶۲۳ | ۳/۸۸ | ۲/۸ | ۱۱/۲۶ |

جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک‌های فرزندپروری با مؤلفه های

| متناسب سازی | استبدادی | آزاد گزاری | اقتدار منطقی | کارکرد اجتماعی | علایم اضطراب و خواب | علایم جسمانی | افسردگی | |
|-------------|------------------|-----------------|-----------------|-------------------|---------------------|-------------------|-------------------|---------------------|
| | | | | | | | ۱ | افسردگی |
| | | | | | | ۱ | ۰/۵۶ P=0/001 | علایم جسمانی |
| | | | | | ۱ | ۰/۶۱ P=0/001 | ۰/۴۷ P=0/21 | علایم اضطراب و خواب |
| | | | | ۱ | ۰/۶۴ P=0/001 | ۰/۶۵ P=0/001 | ۰/۵۲ P=0/001 | کارکرد اجتماعی |
| | | | ۱ | -۰/۴۲۱ P=0/032 | -۰/۳۹۲ P=0/35 | -۰/۳۳۷ P=0/330 | ۰/۳۸۵ P=0/450 | اقتدار منطقی |
| | | ۱ | -۰/۳۲ P=0/21 | -۰/۰۵۰ P=0/731 | -۰/۳۷ P=0/799 | -۰/۰۱۲ P=0/937 | -۰/۱۴۵ P=0/285 | آزاد گزاری |
| | ۱ | ۰/۴۶ P=0/121 | -۰/۴۱ P=0/04 | -۰/۱۹۰ P=0/187 | -۰/۲۱۶ P=0/556 | -۰/۰۹۶ P=0/556 | -۰/۶۷۵ P=0/610 | استبدادی |
| ۱ | -۰/۲۳ P=0/041 | -۰/۵۴ P=0/02 | ۰/۵۶ P=0/041 | ۰/۵۹ P=0/005 | ۰/۷۸ P=0/005 | ۰/۶۷ P=0/005 | ۰/۷۷ P=0/005 | متناسب سازی |

فرضیه اول: بین عامل روان رنجوری والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.



نمودار ستونی بالا میزان انگیزش پیشرفت فرزندان و روان رنجور خوبی والدین را نشان می دهد در این نمودار مشاهده می شود که میانگین انگیزه پیشرفت فرزندان پایین تر از میزان روان رنجوری والدین آنها می باشد.

| شاخص/گروه | میانگین | واریانس |
|----------------|---------|---------|
| X ₁ | ۲۰,۰۵ | ۲۹,۳۰ |
| X ₂ | ۲۲,۵۲ | ۵۶,۲۵ |

$$H_0 = \mu_1 - \mu_2 = 0$$

$$H_A = \mu_1 - \mu_2 \neq 0$$

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود واریانس و میانگین گروه دوم (والدین) بیشتر از میانگین و واریانس گروه اول (فرزندان) است.

محاسبه t دو گروه مستقل:

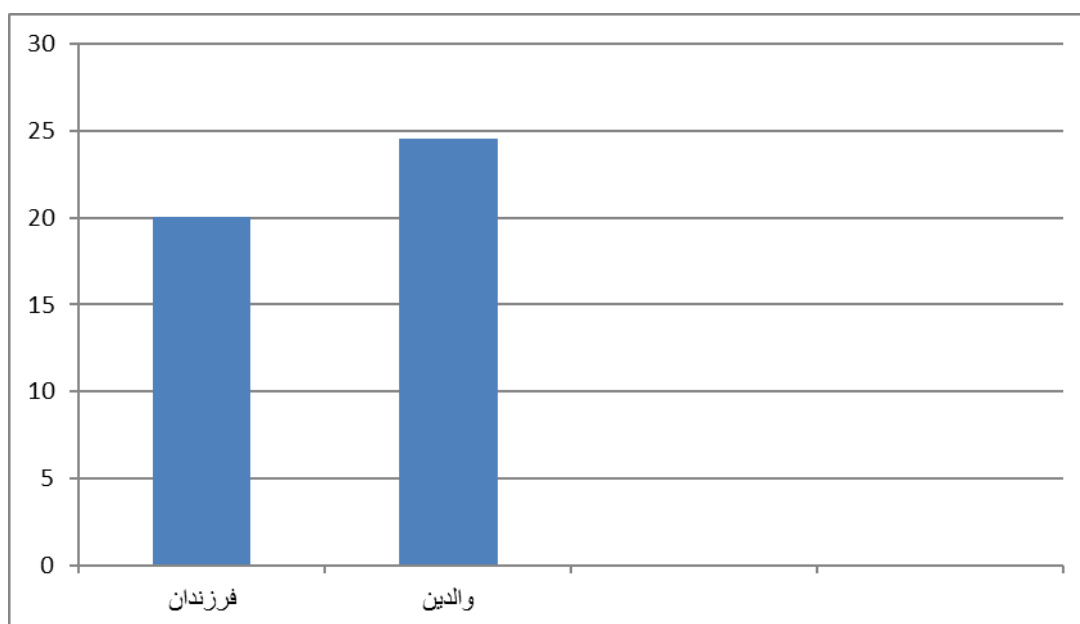
$$t = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{\sqrt{\frac{(s^2)_1 + (s^2)_2}{N}}} \Rightarrow \frac{20/05 - 22/52}{\sqrt{\frac{29/30 + 56/25}{20}}} \Rightarrow 0/962$$

درجه آزادی (df): ((df = N₁ + N₂ - 2))

$$df = 20 + 20 - 2 = 38$$

چون t محاسبه شده یعنی $0,962$ از t داخل جدول در سطح معنا داری $0,05$ و با درجه آزادی 38 یعنی $1,98$ کوچکتر است بنابراین فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود پس می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل روان رنجوری والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه ای وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین عامل برون‌گرایی والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.



نمودار ستونی بالا میزان انگیزش پیشرفت فرزندان و برون‌گرایی والدین را نشان می‌دهد در این نمودار مشاهده می‌شود که میانگین انگیزش پیشرفت فرزندان پایین‌تر از میزان برون‌گرایی والدین می‌باشد.

| شخص/گروه | میانگین | واریانس |
|----------|---------|---------|
| X_1 | 20,05 | 29,30 |
| X_2 | 24,57 | 37,66 |

$$H_0 = \mu_1 - \mu_2 = 0$$

$$H_A = \mu_1 - \mu_2 \neq 0$$

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود واریانس و میانگین والدین در عامل برون‌گرایی بیش از میانگین و واریانس فرزندان آن‌ها در انگیزش پیشرفت است.

محاسبه t دو گروه مستقل:

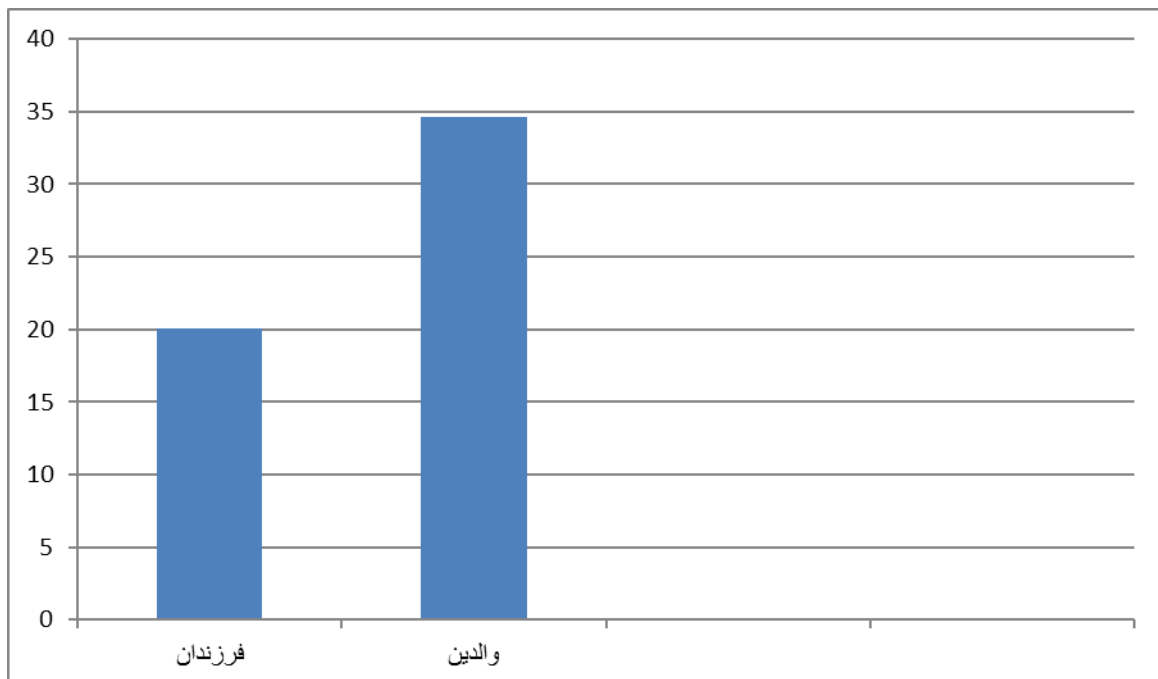
$$t = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{\sqrt{\frac{(s^2)_1 + (s^2)_2}{N}}} \Rightarrow \frac{20/05 - 24/57}{\sqrt{\frac{29/30 + 27/66}{20}}} \Rightarrow 0/914$$

درجه آزادی (df): ((df = N₁ + N₂ - 2))

$$df = 20 + 20 - 2 = 38$$

چون t محاسبه شده یعنی ۰,۹۱۴ از t داخل جدول در سطح معناداری ۰,۰۵ و با درجه آزادی ۳۸ کوچکتر از t داخل جدول است بنابراین فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود پس می‌توان گفت که بین برون‌گرایی والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین عامل انعطاف‌پذیری والدین با انگیزش پیشرفت والدین آن‌ها رابطه وجود دارد.



نمودار ستونی فوق نشان‌دهنده میزان انگیزش پیشرفت فرزندان و عامل انعطاف‌پذیری والدین است و همانطور که مشاهده می‌شود میزان ویژگی انعطاف‌پذیری والدین از میزان انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها بیشتر است.

| شخص/گروه | میانگین | واریانس |
|----------------|---------|---------|
| X ₁ | ۲۰,۰۵ | ۲۹,۳۰ |
| X ₃ | ۳۴,۶ | ۴۵,۰۷ |

$$H_0 = \mu_1 - \mu_2 = 0$$

$$H_A = \mu_1 - \mu_2 \neq 0$$

جدول فوق نشان می دهد که میزان واریانس و میانگین والدین بیش از واریانس و میانگین فرزندان آنها است.

محاسبه t دو گروه مستقل:

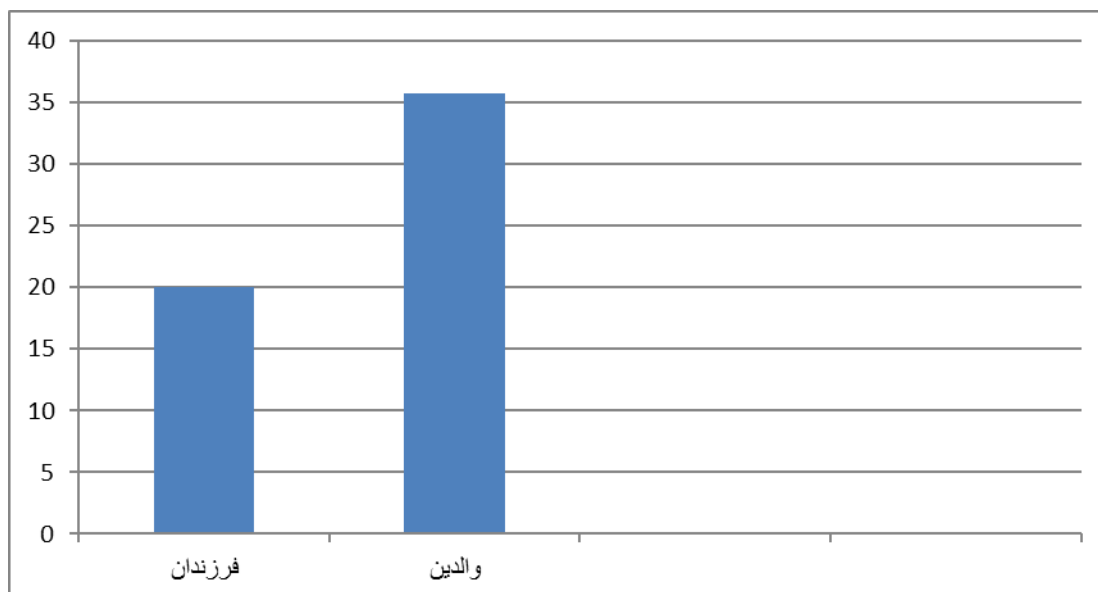
$$t = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{\sqrt{\frac{(s^2)_1 + (s^2)_2}{N}}} \Rightarrow \frac{20/05 - 34/6}{\sqrt{\frac{29/30 + 45/07}{20}}} \Rightarrow 1/30$$

درجه آزادی (df): ((df = N₁ + N₂ - 2))

$$df = 20 + 20 - 2 = 38$$

چون t محاسبه شده یعنی ۱,۳۰ از t داخل جدول در سطح معناداری ۰,۰۵ و با درجه آزادی ۳۸ یعنی ۱,۹۸ از t داخل جدول کوچکتر است بنابراین فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می شود به این ترتیب بین عامل انعطاف پذیری والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آنها رابطه وجود ندارد.

فرضیه چهارم: بین عامل همراهی و دلپذیر بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آنها رابطه وجود دارد.



نمودار ستونی فوق نشان دهنده ی میزان انگیزش پیشرفت فرزندان و عامل همراهی و دلپذیر بدن والدین آن‌ها است، در این نمودار مشاهده می‌شود که میانگین انگیزه پیشرفت فرزندان پایین تر از میانگین ویژگی شخصیتی والدین در عامل همراهی و دلپذیری است.

| شخص/گروه | میانگین | واریانس |
|----------------|---------|---------|
| X ₁ | ۲۰,۰۵ | ۲۹,۳۰ |
| X _۲ | ۳۵,۷۵ | ۷۳,۱۷ |

$$H_0 = \mu_1 - \mu_2 = 0$$

$$H_A = \mu_1 - \mu_2 \neq 0$$

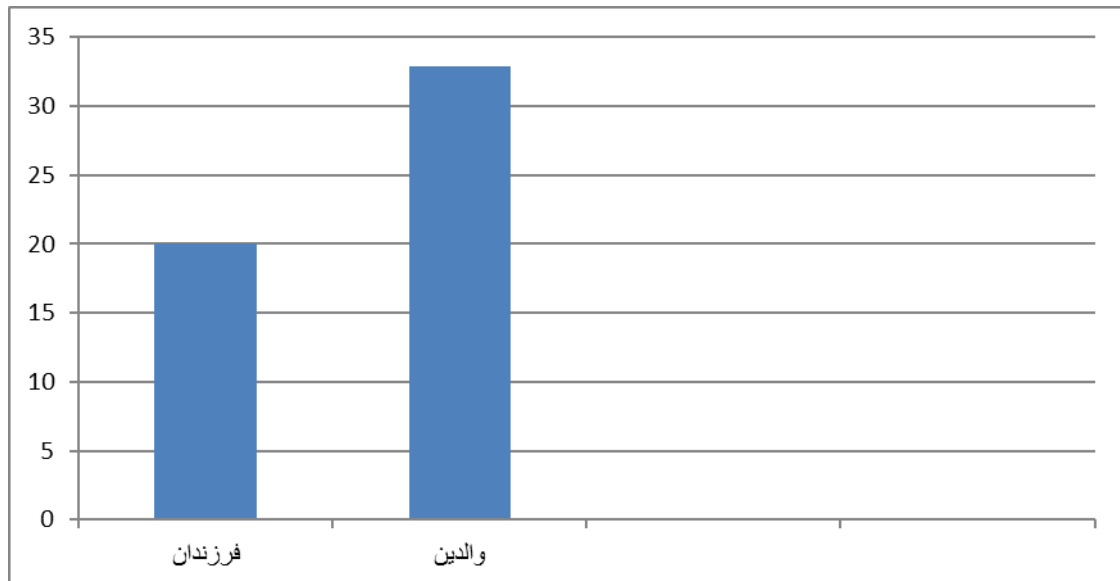
با توجه به جدول فوق مقادیر واریانس و میانگین والدین از فرزندان آن‌ها بیشتر است.

محاسبه t دو گروه مستقل:

$$t = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{\sqrt{\frac{(s^2)_1 + (s^2)_2}{N}}} \Rightarrow \frac{20/05 - 35/75}{\sqrt{\frac{29/30 + 73/17}{20}}} \Rightarrow 13/88$$

چون t محاسبه شده یعنی ۱۳,۸۸ از t داخل جدول در سطح معناداری ۰,۰۵ و با درجه آزادی ۳۸ یعنی ۱,۹۸ بزرگتر است بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین عامل همراهی و دلپذیر بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین عامل باوجدان بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.



نمودار ستونی بالا نشان‌دهنده میزان انگیزش پیشرفت فرزندان و باوجدان بودن والدین آن‌ها است و همان گونه که در نمودار نیز مشاهده می‌شود باوجدان بودن والدین بیشتر از میزان انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها است.

| شاخص/گروه | میانگین | واریانس |
|-----------|---------|---------|
| X_1 | ۲۰,۰۵ | ۲۹,۳۰ |
| X_5 | ۳۲,۹ | ۰,۴۶۱ |

$$H_0 = \mu_1 - \mu_2 = 0$$

$$H_A = \mu_1 - \mu_2 \neq 0$$

در جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان میانگین والدین از فرزندان آن‌ها بیشتر است اما میزان واریانس فرزندان از والدین افزون‌تر می‌باشد.

محاسبه t دو گروه مستقل:

$$t = \frac{\bar{x}_1 - \bar{x}_2}{\sqrt{\frac{(s^2)_1 + (s^2)_2}{N}}} \Rightarrow \frac{20/05 - 32/9}{\sqrt{\frac{29/30 + 0/461}{20}}} \Rightarrow 21/06$$

چون t محاسبه شده یعنی ۲۱،۰۶ از t داخل جدول در سطح معناداری ۰،۰۵ و با درجه آزادی ۳۸ یعنی ۱،۹۸ بزرگتر است بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تایید می‌شود به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل باوجدان بودن والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های شخصیتی والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها پرداخته شده است. با توجه به مطالب ارائه شده و انجام آزمون بر روی ۱۰۰ نفر که متشکل از ۵۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه و ۵۰ نفر از مادران آن‌ها بود، تعیین میانگین و مقایسه تفاوت معنادار دو گروه و بررسی تأثیر ویژگی شخصیتی والدین با استفاده از آزمون t برای دو گروه مستقل نتایج زیر حاصل شدند.

فرضیه اول مبنی بر این است که بین ویژگی‌های شخصیتی والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد و به دلیل این که t محاسبه شده یعنی ۰،۹۶۲ با درجه آزادی ۳۸ و در سطح معناداری ۰،۰۵ کوچکتر از t جدول است لذا فرض صفر تایید و فرض تحقیق رد شد و نتیجه مبنی بر این که بین عامل روان رنجوری والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان رابطه ای وجود ندارد.

فرضیه دوم مربوط است به این که بین عامل برون‌گرایی والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد و از آنجائی که t محاسبه شده یعنی ۰،۹۱۴ با توجه به مقدار درجه آزادی یعنی ۳۸ کوچکتر از t جدول یعنی ۱،۹۸ است بنابراین فرض صفر مورد تأیید قرار گرفته و می‌توان نتیجه گرفت که بین برون‌گرایی والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه ای وجود ندارد.

بر طبق فرضیه سوم مبنی بر این که بین انعطاف پذیری والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد، اطلاعات بدست آمده مشخص نمود که با توجه به این که t محاسبه شده یعنی ۱،۳۰ با درجه آزادی ۳۸ و در سطح معناداری ۰،۰۵ یعنی ۱،۹۸ کوچکتر است بنابراین فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود پس می‌توان گفت بین عامل انعطاف پذیری والدین و انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه چهارم مربوط می‌شود به رابطه بین همراهی و دلپذیر بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها و از آنجائی که t محاسبه شده یعنی ۱۳،۸۸ با درجه آزادی ۳۸ و در سطح معناداری ۰،۰۵ از t داخل جدول یعنی ۱،۹۸ بزرگتر است بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود به این ترتیب بین عامل همراهی و دلپذیر بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم مربوط می‌شود به رابطه بین باوجدان بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها و از آنجائی که t محاسبه شده یعنی ۲۱,۰۶ با درجه آزادی ۳۸ و در سطح معناداری ۰,۰۵ از t داخل جدول یعنی ۱,۹۸ بزرگتر است بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود به این ترتیب بین عامل باوجدان بودن والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد.

پیشنهادات

۱. باید در نظر داشت که تماس با اولیاء و شناسائی دانش آموزان محروم از والدین، متارکه والدین به میزان زیادی بر شناخت تحصیلی این گونه از دانش آموزان تأثیر دارد.
۲. رابطه نزدیک و تنگاتنگ بین والدین و مربیان به مقدار قابل توجهی بر آگاه سازی والدین در پیشگیری از اختلافات عاطفی دانش آموزان کمک می‌کند و در بهبود فرایند آموزش و پیشرفت تحصیلی مؤثر است.
۳. تماس اولیاء و معلمین به منظور شناخت علل ناسازگاری و برخورد مناسب با دانش آموزان به میزان زیادی بر رشد شخصیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر گذار است.
۴. توجه به آموزش خانواده ها توسط کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی تا میزان زیادی در حل مشکلات خانواده ها و سر انجام در پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها تأثیر گذار خواهد بود.
۵. به امر آموزش خانواده ها و تشکیل کلاس هاس آموزش خانواده توجه و عنایت بیشتری صورت گیرد.

محدویت های پژوهش

۱. محدود بودن تعداد آزمودنی ها تعمیم دهی نتایج را غیر ممکن ساخت.
۲. عدم امکان کنترل تمامی عوامل محیطی مربوط به موقعیت اجرای آزمون.
۳. عدم دسترسی کامل به پژوهش های معتبر در زمینه موضوع پژوهش و یا نبود تحقیقات کافی در این زمینه.
۴. عدم همکاری لازم برخی از والدین دانش آموزان.

منابع

1. Adams, G.C, (1992). The relation among identity development self-consciousness and selffocusing middle and late adolescent Development Psychology. 23,9,292-297.
2. Adams, G. R., Dyks, P., & Bennion, L. D. (1990). Parent-adolescent relationships and identity formation. In B. K. Barber & B. C. Rollins (Eds.), Parent-adolescent relationships (pp. 1-16). Lanham, MD: University Press of America.

3. Baumrind, D. (1968). Authoritarian vs. authoritative parental control. *Adolescence*, 3, 255-272. Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4, 1103.
4. Bhushan, R., & Shirali, K. A. (1992). Family types and communication with parents: A comparison of youth at different identity levels. *Journal of Youth and Adolescence*, 21, 687-697.
5. Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research*, 12, 347-353. Erikson, E. H. (1963). *Childhood and society* (2nd ed.). New York: Norton. Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton. Hill, J. P. (1983). Early adolescence: A research agenda. *Journal of Early Adolescence*, 3 (12), 1-21.
6. Frank, S. J., Pirsch, L. A., & Wright, V. C. (1990). Late adolescents' perceptions of their relationships with their parents: Relationships among deidealization, autonomy, relatedness, and insecurity and implications for adolescent adjustment and ego identity status. *Journal of Youth and Adolescence*, 19, 571-588.
7. Marcia, J.E. (1980), *Identity in adolescence*, In: J. Adelson. (Eds.) *Handbook of adolescent psychology*, New York, Wiley.
8. Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
9. Marcia, J. E. (1993). The status of the statuses: Research review. In J. E. Marcia, A. S. Waterman, D. R. Matteson, S. L. Archer, & J. L. Orlofsky (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research* (pp. 22-41). New York: Springer-Verlag.
10. Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11, 1-19.
11. Schultheiss, D. P., & Blustein, D. L. (1994). Contributions of family relationship factors to the identity formation process. *Journal of Counseling and Development*, 73, 159-166.
12. Samuolis, J., Layburn, K., & Schiaffino, K. M. (2001). Identity development and attachment to parents in college students. *Journal of Youth and Adolescence*, 30, 373-384.
13. Sartor, C. E., & Youniss, J. (2002). The relationship between positive parental involvement and identity achievement during adolescence. *Adolescence*, 37, 221-234.